

فصلنامه تاریخ اسلام

سال چهارم، بهار ۱۳۸۲، شماره مسلسل ۱۳، ص ۱۹۵ - ۲۰۳

شُرَفَا^(۱)

لوی پروونسال

ترجمه: فهیمه مخبر دزفولی*

شُرَفَا، علویانی بودند که در سرزمین‌های اسلامی همواره مورد احترام مردم بوده و موفق به تشکیل دول مهمی در جهان اسلام شدند. شرفا به شاخه‌های مختلف تقسیم شدند که مهم‌ترین آنها شرفای حسنی و حسینی‌اند. شرفای حسنی از نسل حسن مثنی بوده که موفق به تشکیل دولت ادریسیان در مغرب شدند. شرفای حسینی از نسل امام صادق علیه السلام بوده که فاطمیان خود را به ایشان منتسب می‌کردند. مطلب حاضر، ترجمه مقاله‌ی شرفا از دائرةالمعارف اسلام (چاپ دوم) است که توسط لوی پروونسال مستشرق مشهور فرانسوی نوشته شده است. وی ضمن بررسی تبارشناسانه شاخه‌های مختلف شرفا آثار مهم مربوط به آنان را معرفی کرده است. کتابشناسی شرفا، در مقاله حاضر، جهت محققین و پژوهشگران در این زمینه حائز اهمیت است

واژه‌های کلیدی: شرفا، حسنی، حسینی، تبارشناسی، ادریسیان، فاطمیان.

* دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی.

در گویش مراکشی، «شرفاء» جمع شریف به معنای اصیل است. این اصطلاح متعلق به خاندان پیامبر (اهل بیت) علیهم السلام است و در مورد نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق دخترش فاطمه و پسر عمویش علی علیه السلام به کار می‌رود. فرزندان از این زوج به دنیا آمدند که از آن جمله حسن و حسین، اجداد شرفای حسنی و حسینی در خاورمیانه و مغرب‌اند. شرفا همواره از توجهی در خور و امتیازاتی ویژه از جانب حاکمان و مردمان سرزمین‌هایی که در آن‌ها می‌زیسته‌اند، بهره‌مندند. نکته‌ای که باید متذکر شویم، این است که در کنار خاندان موثق رسالت، نسلی از مرابطين مشهور، به دروغ لقب «شریف» گرفته‌اند.

تاریخ

علی علیه السلام پسران متعددی از زنان دیگرش جز فاطمه علیها السلام داشت که زنجیره‌ی مهمی از نسل‌ها را تشکیل می‌دهند. اینان گرچه عموماً علوی‌اند، تنها بخشی از علویان که حسنی و حسینی‌اند می‌توانند ادعا کنند که از نسل شرفا هستند. اینان و شاخه‌هایی از آنها، در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی حضور داشته‌اند:

۱. کلیه‌ی شرفای حسنی در خاورمیانه از نسل دومین پسر حسن بن علی علیه السلام، یعنی حسن مثنی ریشه می‌گیرند.

الف) از آخرین پسرش عبدالله کامل از طریق فرزندانش موسی الجون، بنو اخضر^(۲) مکه و یمن (۳۵۰ - ۲۵۱ ق / ۹۶۱ - ۸۶۵ م) موسوی‌ها و هاشمی‌ها، بنو قتاده^(۳) (امیران مکه، از ۵۹۸ هـ / ۱۲۰۲ - ۱۲۰۱ م به بعد)، بنو فلیته^(۴) و سرانجام بنو صالح از غانه و نیز شرفای مشهور به سلیمانیه.

ب) نسل داوود، پسر دیگر حسن مثنی، سلیمانیان یمن و مکه‌اند.

ج) از ابراهیم، پسر دیگر حسن ثانی، دودمان امامان رسی یمن از طریق قاسم الرسی.

۲. شرفای حسینی خاورمیانه فرزندان جعفر صادق بن محمد باقر علیه السلام، نوهی امام حسین علیه السلام از طریق علی علیه السلام زین العابدین هستند. فاطمیان یا عبیدیان آفریقا و مصر مدعی اند که از این نسل اند. هم‌چنین بنو مَهْتَا، امیران مدینه در سال‌های قبل از ۶۰۱ قمری / ۱۲۰۴ میلادی و بالاتر از همه، امامان شیعیان اثنی عشری که دوازدهمین آنان محمدالمهدی (عج) پسر حسن عسکری علیه السلام (د. ۲۶۰ ق / ۸۷۴ م) است، هم‌چنین فرزندان یکی از برادران حسن مثنی، زید، که جدّ زیدیان طبرستان (۲۸۷ - ۲۴۷ ق / ۸۶۱ - ۹۰۰ م) است، می‌توانند از شرفا به شمار آیند.

۳. در دورترین نقطه‌ی شمال آفریقا، مغرب‌الاقصى، تعداد زیادی از شرفا زندگی می‌کنند (شرفای مغرب). یک قرن یا بیش‌تر بعد از ورود اسلام به مراکش این گروه نقش مذهبی و سیاسی مهمی داشتند و از این زمان یک علوی از نسل حسن بن علی علیه السلام به نام شریف ادريس اول پسر عبدالله الكامل و برادر موسی الجَوْن (مذکور در بالا) اولین حکومت شرفای مراکش را بنیاد نهاد.

اکثریت وسیعی از شرفای مغرب از نسل حسنیان و از فرزندان ادريس اول و پسرش ادريس دوم‌اند. ادريس دوم هفت پسر داشت، پنج تن از آنان که پراکنده شدند عبارت‌اند از: الف) عمر که فرزندان او بر جَبَل‌العَلَم و سپس بر تلمسان* حکومت کردند. این‌ها همان شرفای حمودی هستند که چند سال در اسپانیا خلافت قُرْطُبَه را در اختیار داشتند و سپس در مالقه حکومت یافتند. (۴۱۴ - ۴۰۷ ق / ۱۰۲۳ - ۱۰۱۶ م).

ب) قاسم که پسرش یحیی در جُوطه، واقع در غرب مراکش، بر وادی سَبو مستقر شد و جدّ تمام شرفای جُوطی (جُوطیون) فاس بود. موضوعی که باید مورد توجه قرار گیرد عمرانیان‌اند که به عنوان نقیبان حاکمیت داشتند و مخالف مرینی‌ها (نیمه‌ی دوم قرن ۹ ق / ۱۵ م) بودند.

* Tlemcen.

ج) عیسی بنیان‌گذار شرفای دباغیون که در قرن ۴ قمری / ۱۰ میلادی با حسن بن غنّون به حوالی قُزطُبه مهاجرت نمودند و بعد از تسلط مسیحیان به سَلا* و فاس برگشتند.

د) عبدالله که فرزندان او، با عنوان اَمغاریون در شمال مراکش، سپس در جنوب آزَمور مستقر شدند.

ه) محمد که دو پسر داشت: یحیی، جدّ شرفای کَتّانیون در مِکَناسه و سپس در فاس (نیمه‌ی دوم قرن ۱۰ ق / ۱۶ م) و علی، که چند شاخه از شرفا به او می‌رسند. عبدالله الکامل پسر ادریس اول دو پسر دیگر هم داشت که بعداً به مراکش آمدند:

الف) جعفر نیای شرفای سوس

ب) موسی الجَوْن که شرفای قادری (قادریون) به واسطه‌ی عبدالقادر جیلانی، بنیان‌گذار گروه صوفیان قادری، از نسل او هستند. این گروه از شرفا در پایان قرن ۹ قمری / ۱۵ میلادی در فاس ساکن شدند. سرانجام، محمدنفس زکیه، جد دو سلسله از شرفای مراکش که بعد از سقوط آخرین سلسله‌ی بربر بنی‌وطّاس (۱۰ ق / ۱۶ م) به قدرت رسیدند. شرفای سَعْدی، که نسب شریفی آن‌ها جای بحث داشت و جانشینان آنان در قرن بعد، شرفای علوی از بیجلماسه در تَفیلِت.**

اعضای اصلی سلسله‌ی عرفای شاذلیه از شرفا هستند؛ عبدالسلام بن مَشیش الحسّنی (د ۶۲۵ ق / ۱۲۲۸ م)، شریف ادریسی از بنی محمد بن ادریس تا پایان حکومت موحدون رییس آنان بود. گفته‌اند: جانشین او، که نامش را به فرقه داد، ابوالحسن علی بن عبدالله الشاذلی، نیز یک شریف ادریسی مانند اغلب شرفای جَبَل العَلَم بود.

۴. در کنار تمام این شرفای حسنی که در مراکش، خصوصاً در فاس وجود داشتند، دو گروه

* Salé.

** Tafilat.

از شرفای حسنی، از طریق موسی الکاظم بن جعفر الصادق پسر محمد الباقر علیه السلام، نوهی الحسین علیه السلام را هم باید ذکر کرد. این‌ها شرفای صقلیون هستند، فرزندان علی بن موسی الرضا علیه السلام و شرفای عراقیون، اولاد برادر الرضا، به نام ابراهیم المرتضی.

ادبیات شرفا

اهمیت خاصی که به شرفای مغرب داده شد، عجیب نیست؛ زیرا این در پرتو ادبیات درخشان خاصی شامل بیوگرافی و تبارشناسی فراهم شده است. اولین آثار قابل توجه در این زمینه را شریف قادری فاس، ابومحمد عبدالسلام بن الطیب القادری (۱۱۱۰ - ۱۰۵۸ ق / ۱۶۹۸ - ۱۶۸۴ م) به عهده گرفت (رک: پروونسال، 399 - P.276, Historiens des charfa).

وی علاوه بر سه تک‌نگاری در تاریخ انبیا، چند اثر در مورد گروه‌های شرفای مراکشی نوشت: اولین اثر مطالعه‌ی عمومی درباره‌ی شریف‌شناسی در پایتخت مراکش، با نام *الدرالسنی فی بعض من بفاس من اهل النسب الحسنی* که علی‌رغم عنوان آن، شامل شاخه‌های حسینی هم می‌شود. نویسنده هنگام نوشتن این اثر، عمداً شرفای سعدی را که سریعاً به دلیل فقدان فرزند از بین رفتند، کنار گذاشت. این اثر در فاس در سال ۱۳۰۲ و ۱۳۰۸ قمری چاپ شده است. مقالات دیگر قادری عبارت‌اند از:

۱. «عرف العاطر فی من بفاس من ابناء الشیخ عبدالقادر»، مربوط به شرفای قادری.

۲. «متاع الاشراف فی الاشراف الواردین من العراق»، مربوط به شرفای عراقی.

در پایان قرن یازدهم قمری / هفدهم میلادی و شروع قرن دوازدهم قمری / هجدهم میلادی، دو اثر دیگر تبارشناسی شریفی در مراکش تألیف شد؛ یکی که به شرفای علوی سجدماسه اختصاص دارد، توسط ابوالعباس احمد بن عبدالملک الشریف السجدماسی تحت عنوان *الانوار السنّیة فی نسبة من بسجدماسه فی اشراف المحمدیة* تألیف شد و دیگری با

عنوان *شُدُور الذَّهَبِ فِي خَيْرِ نَسَبِ اثْرِ شَرِيفِ جَبَلِ الْعَلَمِ*، التهامی بن محمد بن احمد بن رَحْمُون است که آن را در سال ۱۱۰۵ قمری / ۱۶۰۳ میلادی نوشت.

در سال ۱۱۲۷ قمری / ۱۷۱۵ میلادی، فرزند یک خانواده مرابطون از زاویه‌ی دیلاء [نک: الديلاء در ضمیمه]، ابو عبدالله محمد المَسْنَاوِي بن احمد الديلائی (د. ۱۱۳۶ ق / ۱۷۲۱ م) اثری جدید درباره‌ی شریف‌شناسی قادری، به نام *نتیجة التحقيق في بعض اهل الشرف الوثيق* نوشت (چاپ توسن ۱۲۹۶ ق و فاس ۱۳۰۹ ق، بخشی از آن توسط ویر* به نام بخش اول *نتیجة التحقيق* چاپ ادینبورگ ۱۹۰۲ م).

تک پژوهشی دیگر، اندکی بعد به شرفای صقلیون فاس اختصاص یافت. این اثر را نوه‌ی قادری، نویسنده‌ی *الدرالسني*، محمد بن طیب القادری (د. ۱۱۸۷ ق / ۱۷۷۳ م) با عنوان *لمحة البهجة العالیة في بعض فروع الشعب الحسينية الصقلية* نگاشته است. شرفای واژان چند مورخ در قرن ۱۲ قمری / ۱۸ میلادی داشته‌اند که چند اثر را باید ذکر کرد: *تحفة الاخوان ببعض مناقب شرفاء واژان*، نویسنده‌ی آن حَمْدُون الطاهري الجوطی (د. ۱۱۹۱ ق / ۱۷۷۷ م) است. این اثر در سال ۱۳۲۴ قمری در فاس چاپ شده است.

کتاب التحقيق في النسب الوثيق که تبارشناسان فاس آن را ساختگی و منسوب به احمد بن محمد الأشماوی المکی می‌دانند، در تاریخ پایان قرن ۱۲ قمری / ۱۸ میلادی نوشته شده است. این اثر که تنها شامل شاخه‌ای از شرفاست که در الجزیره ساکن بوده‌اند، توسط پیرگیاکوبتی** در ۱۹۰۶ میلادی ترجمه شده است.

ابوالربیع سلیمان بن محمد الشفشاونی الحَوَات، متولد ۱۱۶۰ قمری / ۱۷۴۷ میلادی، متوفی در فاس (۱۲۲۱ ق / ۱۸۱۶ م) متخصص تبارشناسی شریفی بود. او در میان آثارش تک

* T.H. Weir.

** Pere Giacobetti.

پژوهشی درباره‌ی شرفای دَبَاعیون، که در محلّه‌ی خودشان در فاس، «شرفاء العیون» خوانده می‌شدند، باقی گذاشت. نام این اثر *ثَرَقَةُ الْعِیُونِ فِی الشَّرَفَاءِ الْقَاطِنِیْنَ بِالْعِیُونِ* است. همچنین یک تک‌نگاری درباره‌ی شرفای قادری به نام «السَّرِّ الظَّاهِر» دارد.

مورخ شرفای عراقیون، عبدالولیدبن العربی العراقی (د. ۱۲۶۳ق / ۱۸۹۴م) بود. اثر او تحت عنوان *الدَّرِّ النَّفِیْسِ فِی مَنْ بَفَاسٍ مِنْ بَنِي مُحَمَّدِ بْنِ نَفِیْسٍ* در فاس چاپ شده است. سرانجام، از میان اکثر آثار معاصر، علاوه بر اطلاعاتی که در اثر ارزشمند *سلوة الألفاس* از محمدبن جعفر الکتانی (نک: الکتانی) جمع آوری شده است، دو اثر درباره‌ی شاخه‌های شریفی در مراکش وجود دارد: اولین اثر از محمدبن الحاج المدنی کَتُون (د. ۱۳۰۲ق / ۱۸۸۵م) به نام *الذُّرر المکنونة فی النِّسَبِ الشَّرِیْفَةِ المَصُونَةِ* است؛ اثر دیگر که اهمیت بیش‌تری دارد، تحت عنوان *الذُّرر البهیه و الجواهر النبویّه فی الفروع الحسنیه و الحسینیه* اثر ابوالعلاء ادریس‌بن احمد الفُضیلی (د. ۱۳۱۶ق / ۱۸۹۸م) که در سال ۱۳۱۴ قمری در فاس چاپ شده است، که مجموعه‌ای ارزشمند با اطلاعات چاپ نشده‌ی فراوان است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. لوی پروونسال خاورشناس فرانسوی است که به سبب تحقیقاتش در زمینه‌ی تاریخ مسلمانان اندلس (اسپانیا) شهرت دارد. وی در سال ۱۹۲۰ به استادی «مرکز تحقیقات عالی مراکش» در رباط منصوب شد و برای دریافت دکتری به تألیف دو رساله موظف شد. عنوان یکی از رساله‌ها «مورخین شرفاء: تحقیقی در زمینه‌ی کتب تاریخ و سیره در مراکش از قرن شانزدهم تا نوزدهم (میلادی)» بود. وی آثار متعددی درباره‌ی تاریخ مغرب و اسپانیا دارد.

نوشته‌ی حاضر ترجمه‌ی مقاله‌ی «شرفا» از این خاورشناس است که در *دایرة المعارف اسلام* چاپ شده است. این مقاله بیش‌تر ارزش کتاب‌شناسی دارد و به معرفی منابع تاریخی مربوط به شرفا می‌پردازد و برای محققینی که در این حوزه به پژوهش مشغول‌اند، مفید است.

۲. بنواخضر، از فرزندان حسین بن علی علیه‌السلام، هاشمی، عدنانی، فرزندان محمد الاخضر بن یوسف بن ابراهیم بن موسی الجون بن حسن بن علی بن حسین السبط، که بر یمامه حکومت کردند. (کحاله، عمررض، *معجم قبائل العرب القديمة و الحديثه*، مؤسسة الرساله، ۱۹۸۲، ج ۱، ص ۱۱).

۳. بنو قتاده، از فرزندان حسن بن علی علیه‌السلام، بنو قتاده بن ادریس بن سطا عن بن عبدالکریم... ابن الحسن السبط که بر مکه حکومت کردند و امارت مکه تا عصر فلقشندی (د. ۸۲۱) از آنان بود (کحاله، همان، ج ۵، ص ۳۸۵).

۴. الفلیته، از جمله طئی بوده بعضی از آنان زبیدی و بعضی فلیته نامیده شده‌اند. آنان در شمامک در کویر عراق زندگی می‌کردند. (کحاله، همان، ج ۵، ص ۱۲۶).

منابع:

علاوه بر کتب عربی که در مقاله ذکر شده نگاه کنید به:

- G. Salmon; *les chorfa Idrisites de Fes*, i, 1904, 424 - 59.

les chorfa Filala et D\jilala de Fes, همان، iii, 1905, 97 - 118; همو، *Ibn Rahmoun*, همان، 159 - 265.

- E.Aubin, *le Maroe daujourd'* hui Paris 1907, passim.

- A.Cour, *L'Etablissement des dynasties des cherifs au Maroc*, Paris 1904, 17 ff.

- R.P. Giacobehi, *Kitab en - Nasab, Genealogie des chorfu*, in R. Afr. (1906).
- E.Mielaux - *Bellaire, lamaison d'Ouezzan*, in RMM, iv (1908) 23 - 89.
- Levi. Provençal, *les historiens des chorfu*, Paris, 1923, repr. 1991; همو، Le Maroc en face de l'étranger a l'époque moderne, Paris 1925.
- K.Ohrnberg, *The offspring of Fatima disperdal and ramification*, stvdia orientalia societatis Fennicae, 54. Helsinki 1983.
- H.Beck, *L'image d'Idris II, ses descendants de Fas et la politique sharifienne des sultans Marinides*, leiden, 1984.